

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۱

سبک‌شناسی اشعار سیدعلی جبل‌عاملی

(ص ۶۱-۷۹)

دکتر محمد حکیم‌آذر (نویسنده مسئول)؛ بهمن‌علامی؛^۲ دکتر اصغر رضاپوریان^۳

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پائیز ۱۳۹۶

چکیده

شناخت زوایای پنهان آثار هنری خصوصاً دیوانهای شعری از طریق مطالعه در چگونگی شکل‌گیری آنها امکان‌پذیر است. سید علیرضا پسر سید مساعد جبل‌عاملی متخلص به مهری و سید و مشهور به مهری عرب (تولد ۱۰۵۰ ه.ق-وفات ؟) از شاعران توانمند اما گمنام سده یازدهم هجری است. بررسی و تحلیل سبک‌شناسی شعر مهری ضمن اینکه شگردهای هنری، زبانی و پیامهای فکری این شاعر را آشکار میکند، میتواند به کشف بخشی از حقایق مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران منجر شود. شعر مهری هم معانی، مضامین و آرایه‌های ادبی قابل توجه دارد و هم متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی بوده است؛ به همین دلیل از دیدگاه‌های مختلف ادبی و تاریخی شایان بررسی و تحلیل است. با توجه به نوآوری‌هایی که مهری در کاربرد تعبیرات و الفاظ، تصویرسازیها و وسعت دایره لغات نشان داده است؛ در این مقاله برآنیم تا ویژگیهای سبکی و نوآوری‌هایی که شاعر در اشعارش به آنها توجه داشته را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی نماییم.

کلمات کلیدی: سیدعلی جبل‌عاملی، مهری، دیوان اشعار، سبک‌شناسی

^۱ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول) دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد (Mhakimazar@iaushk.ac.ir)

^۲ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد (Bahmanallami65@gmail.com)

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد (Rezaporian@gmail.com)

۱- مقدمه

سیدعلی جبل‌عاملی «خلف سید مساعد جبل‌عاملی از خاک پاک جبل‌عامل» (تذکره نصرآبادی، ج ۱: ص ۵۶۸) متخلص به مهری و سید و مشهور به مهری عرب و سید مهری از شاعران گمنام سبک هندی است که «در اواخر صفویه به اصفهان میزیست» (ریحانة‌الادب، ج ۶: ص ۴۱) برجسته‌ترین نکاتی که درباره زندگی مهری با مطالعه دیوان این شاعر بر اساس نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره (۳۲۱۷) دریافت می‌شود؛ چنین است:

الف) نام شاعر: علی‌رضا، سال تولد: ۱۰۵۰ هجری، محل تولد: جبل‌عامل:

بعد هجرت هزار و پنجه بود کز عدم آدمم به ملک وجود
شد جبل‌عامل از جهان وطنم مسقط رأس و مأمن بدنم
چون رضا بود از قضا کامم گشت سید علی‌رضا نامم
(نسخه خطی دیوان اشعار: ص ۵۰)

ب) نسب مهری از طریق نه نسل به امام سجاده^(ع) می‌رسد:

نطفه‌ام را قدر به حکم قضا پشت بر پشت ز آدم و حوا
میرسانید بهر حفظ نژاد تا امام چهارمین سجاده
هم از او تا بسی تن از نیکان همه عالی‌تبار فرزندان
پدرم بود زاده نهمین که روانش به لطف باد قرین
(همان)

ج) تخلص شاعر مهری است:

مهریم خوانند از بس مهر میورزم تو را نیست نام شاعری چون سعدیم یا انوری
(همان: ص ۱۰)

د) در میان اهل هنر به «سید مهری» معروف بوده است:

شاه‌ها منم آن خسته بیداد سپهری کز مهر نکویان
خوانند مرا اهل هنر سید مهری مداح تو از جان
(همان: ص ۳۷)

ه) مهری در دربار صفوی حضور داشته است:

بر درگهت ای خدیو آصف دستور خوانند کمینه را ز ارباب شعور
باشد اگرم ضمیر روشن چه عجب چون ماه ز آفتاب میگیرم نور
(همان: ص ۳۵۴)

و) دیوان مهری حدود پنج هزار و ششصد بیت است که در دو بخش اشعار فارسی و اشعار
معرب سروده شده است.

۲- سید علی جبل‌عاملی و دو دیوان شعر

این احتمال که مهری صاحب دو دیوان شعر بوده است؛ به دو دلیل مطرح میشود؛ دلیل
اول، مهری در آغاز غزلیاتش به دو دیوان از اشعار خود اشاره کرده است:

بنامت انجمن گر سازم این جمع پریشان را به تار یک نفس شیرازه میبندم دو دیوان
(همان: ص ۶۵)

دلیل دوم، نسخه‌ای خطی مشتمل بر دو رساله: یکی «فهرست مؤلفات علامه مجلسی» و
دیگری «فهرست مؤلفات فیض کاشانی» در کتابخانه مجلس نگهداری میشود. شخصی در
سال ۱۳۳۳ هجری فهرستی در پایان این نسخه خطی نگاشته و گفته است که چه کتابهایی
در کتابخانه خود داشته است. در این فهرست به دو جلد از دیوان سیدعلی مهری اشاره شده
است. (نسخه خطی شماره ۵۵۵۷) دو صفحه بعد از این فهرست، نویسنده فهرست دیگری
نوشته و کتابهایی را که به دیگران امانت داده را نام برده است، نام دیوان مهری نیز در بین
کتابهای امانی دیده میشود؛ «دیوان سیدعلی مهری نزد میرزا عبدالله سلیم است» و «دیوان
سید علی مهری نزد ملا عبدالمطلب کلیددار است.» (همان)

فرضیه اول: در ادبیات کلاسیک فارسی معمولاً شاعرانی که به دو زبان شعر میسرودند؛ دو
دیوان شعر داشته‌اند. اشعار مهری به دو بخش اشعار فارسی و اشعار معرب تقسیم میشود،
بنابراین این احتمال وجود دارد که منظور از دو دیوان و دو جلد، اشعار فارسی و معرب شاعر
باشد.

فرضیه دوم: مهری دو دیوان شعر داشته است که ما از دیوان دوم وی اطلاعی نداریم و
اثبات این فرضیه همّت پژوهشگران را میطلبد.

۳- سبک‌شناسی اشعار سیدعلی جبل‌عاملی

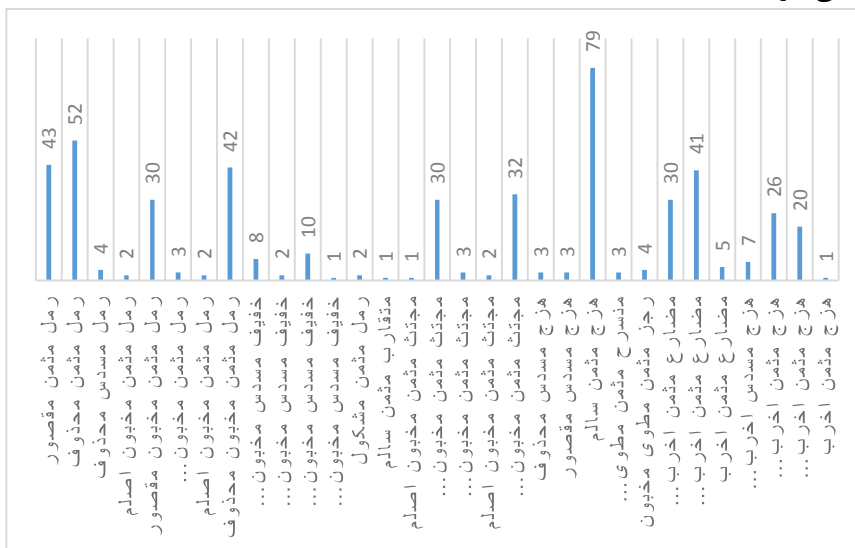
۳-۱- اشعار فارسی

اشعار فارسی مهری؛ ۴۹۱ غزل، ۵۱ رباعی، شش قصیده، دو مثنوی، یک ترجیع‌بند، یک ترکیب‌بند مستزاد، یک مخمس و یک مسدس شاعر را شامل می‌شود.

۳-۱-۱- ویژگیهای زبانی

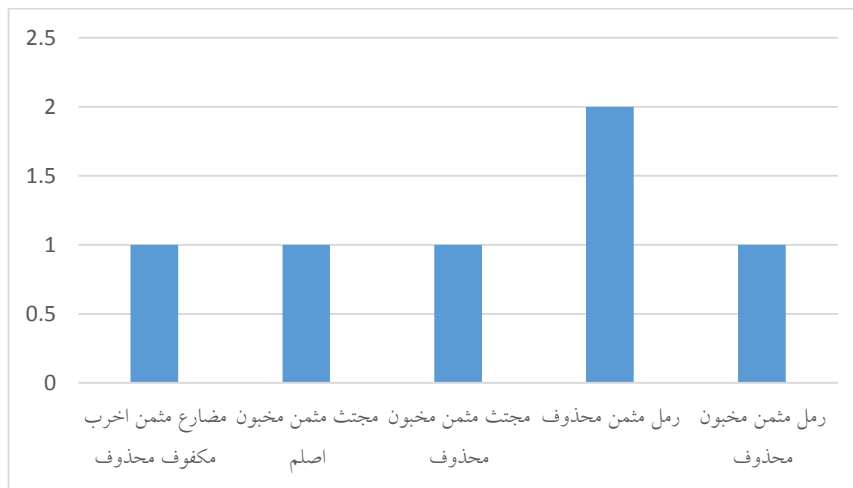
۱) سطح آوایی

الف) موسیقی بیرونی: بخش مهمی از موسیقی بیرونی شعر در «وزن» آن آشکار می‌شود. وزن سخن را سازمان می‌دهد و علاوه بر ایجاد تخیل در برانگیختن عواطف نقش مهمی دارد:



شکل ۱- نمودار بحرهای بکار رفته در غزلها

همچنین شاعر در شش قصیده خود از پنج وزن استفاده کرده که در شکل ۲ گزارش شده است. سایر اوزان اشعار فارسی چنین است؛ مثنوی: (خفیف مسدس مخبون محذوف) و (رمل مثنیٰ مخبون مقصور)، ترجیع‌بند: (هزج مسدس اُخرَب مقبوض مقصور)، ترکیب-بند مستزاد: (هزج مثنیٰ اُخرَب مکفوف محذوف)، مخمس: (مقارِب مثنیٰ سالم)، مسدس: (مضارع مثنیٰ اُخرَب مکفوف محذوف) و (۵۱ رباعی: (هزج مثنیٰ اُخرَب مکفوف محبوب).



شکل ۲- نمودار بحرهای بکار رفته در قصاید

۲) سطح واژگانی

الف) کاربرد کلمات ترکی: یکی از دلایل آشنایی شعرای غیر ترک با زبان ترکی در دوره صفویه این بود که زبان ترکی پس از انتقال پایتخت به اصفهان در دربار صفوی هم‌چنان رواج داشت؛ و حتی درباریان به فارسی و ترکی شعر می‌گفتند. (رک. تاریخ ادبیات در ایران: ص ۱۳۷) مهتری نیز در اشعار خود از کلمات ترکی استفاده کرده است: ترکی که به من گفت «سنی اولدرزم» من میخورد قسمها به سر شاه چه سازم (نسخه خطی دیوان اشعار: ص ۲۸۸)

گفتمش جان میدهد باقیمت یک بوسه گفت «گیت جهنم پُخ یمه» ما بوسه را بفروش نیست (همان: ص ۳۷۰)

ب) کاربرد لغات و ترکیبات عربی: مهتری اهل جبل‌عامل بود و بر زبان و ادبیات عرب تسلط داشت؛ بنابراین از لغات و ترکیبات عربی به وفور در اشعار خود استفاده کرده است:

دانی که بود علی تعالی عمّا نسبت الیه الاعدا (همان: ص ۲۶)

فَسَمًا بِالْكُؤُسِ و الإِقْدَاحِ که شراب محبت است مباح
باده شمع است بزم مستان را هِيَ نَوْرٌ و كَاسُهَا مَصْبَاحٌ
(همان: ص ۱۶۶)

ج) کاربرد اصطلاحات کوچه و بازار: در این دوره رواج شعر در میان طبقات متوسط و پایین جامعه موجب شد که زبان به جانب سادگی متمایل شود و بسیاری از تعابیر زبان کوچه و بازار که «در ادوار پیشین و پسین قابلیت و شایستگی ورود به حوزه شعر را نداشتند، حال مجال حضور در آن را یافتند» (ادبیات ایران از آغاز تا امروز: ص ۴۲۹) این ویژگی در شعر مهری نیز بسامد بالایی دارد:

به منع اگر نتوان دوختن دهان خبیث بگیر گوش خود و تخته کن دهان خبیث
(نسخه خطی دیوان اشعار: ص ۱۶۳)

تا بود چشم سیه مست تو آهو سگ کیست ای تو وحشی نگهان را همه مخدوم و ملاذ
(همان: ص ۲۴۶)

تا دید بنفشه خط را شد موی دماغ باغ سنبل
(همان: ص ۲۵)

دل ز موج نفس چون حباب میسکند بناش بر سر آب است این خراب شده
(همان: ص ۳۱۹)

نمیسازد ترم گر ابر مژگان روز و شب بارد من از دریادلانم گرگ باران دیده‌ای دارم
(همان: ص ۳۰۱)

۳-۱-۲- ویژگیهای ادبی

۱) بیان

الف) تشبیه: در تشبیهات مهری «مشبه» اکثراً مفرد مقید و «مشبه‌به» مفرد و حسی است و البته با «وجه‌شبه»هایی که هیأتی عجیب و شگفت دارند و تازه و بدیع هستند. «وجه‌شبه» در توصیفات مهری در دو حوزه بیشتر است؛ یکی اصطلاحات هنر خوشنویسی و کتابت:

از خم تار دو زلف چو رسن پر چلیپاست بیاض گردن
(همان: ص ۵۹)

و دیگر مظاهر طبیعی مانند گیاهان، حیوانات، عناصر آسمانی و زمینی؛

وه چه رخساره! مه جان‌افروز مهر تابنده، صباح نوروز
(همان: ص ۵۵)

ویژگی خاص مهری در تشبیه استفاده از «به رنگ» به عنوان یک ادات تشبیه ویژه است:

به رنگ بلبلم از بس ترانه رنگین بود چو گل به گوشه دستار زد بهار مرا
(همان: ص ۹۳)

در بیت فوق «به رنگ» ادات تشبیه است، نه مقایسه دو چیز به اعتبار رنگ آن، بلکه در مورد تشابه شکل، حرکت، اندازه و هر نوع شباهتی، این ادات به کار می‌رود.

(ب) استعاره: «انسان تنها در سرزمین استعاره شاعر است.» (استعاره، ترجمه‌فرزانه-طاهری: ص ۱۸)

از نظر کارکرد هنری، استعاره را در دیوان مهری میتوان به دو دسته تقسیم کرد: یکی استعاره‌هایی که جامع آنها آسان‌یاب است و ابهام زیادی ایجاد نمیکنند و دیگر استعاره‌هایی که از نظر جامع، بسیار دیریاب هستند؛ که بسامد نوع اول بسی بالاتر از نوع دوم است. مهری برای انتقال معانی و مفاهیم از استعاره مصرحه اصلیه بیشترین بهره را برده است:

در تمام عمر مریم جز مسیحایی نژاد هر دم آرد یوسفی این بکر معنی زای من
(نسخه خطی دیوان اشعار: ص ۱۲)

در این بیت، یوسف استعاره مصرحه از معانی زیبا است.

زبان خصم شود لال کی زبان تو گیرد لب چو قند تو تنگ شکر گشاید و بندد
(همان: ص ۲۱۰)

در این بیت، تنگ شکر استعاره مصرحه از دهان معشوق است.

اما آنچه که در استعاره، مهری را از سایر شاعران سبک هندی ممتاز میکند؛ استعاره مفهومی است. نگاه استعاری مهری به اصطلاحات مرتبط با هنر خوشنویسی در سرتاسر اشعار او دیده میشود. توجه به این نوع استعاره در دیوان مهری، الگوهای ذهنی شاعر را برای

خواننده روشن میکند که تنها به یک نمونه از آن یعنی استعاره مفهومی «قلم» که با اسامی چون «کلک» و «خامه» نیز از آن یاد شده است؛ اشاره میکنیم:

لب خاموش بود کلک سخنور اینجا بی صدف قطره شود دانه گوهر اینجا
(همان: ص ۷۲)

زبان کلک مهری چون لب یار بیالاید به شکر انگبین را
(همان: ص ۹۲)

گوهر به نوک خامه و دلها ز نیش حرف سفتن طریق ما و نسفتن طریق ماست
(همان: ص ۱۵۳)

حرف موی آن سمن بو را چو میسازم رقم بوی سنبل میشود موی دماغ خامه‌ام
(همان: ص ۲۷۸)

کاتب صنع رقم کرد ز می خط تو را که نبودش به سر خامه مرکب رنگین
(همان: ص ۳۰۵)

شاعر در این ابیات با آوردن ترکیباتی چون «کلک سخنور»، «نوک خامه»، «زبان کلک»، «دماغ خامه» و «سر خامه» استعاره مفهومی «قلم موجودی زنده است» را به عنوان یک الگوی ذهنی به خواننده انتقال میدهد.

ج) کنایه: «کنایه از شگردهای تصویرسازی هنری است که از نظر لفظ و معنای ظاهری در محور همنشینی کلام و از نظر معنای پوشیده و دور در محور جانشینی کلام جای میگیرد و نوعی فشرده‌سازی ایجاد میکنند.» (سیب باغ جان: ص ۱۴۱) در شعر بیدل ساخت کنایه مربوط به جمله‌ها است که میتوان آنها را تأویل به مصدر کرد:

کسی به حرف خموشان نمینهد انگشت به بخیه قلمی شد قبای شستی ما
(نسخه خطی دیوان اشعار: ص ۹۱)

کشیدن پایه دامن من هم ای بی‌رحم میدانم اگر زلف پریشان تو دست‌انداز میدانم
(همان: ص ۱۹۹)

د) اسلوب معادله: اسلوب معادله یکی از ترفندهای ادبی است که شاعران سبک هندی برای القای مفاهیم ذهنی و عمیق خود از آن سود جستند؛ آنچه روش مه‌ری را از دیگران متمایز میکند شگردهایی است که در تصویرآفرینی به کار برده و این در واقع نوعی تمثیل است که در آن دو مصراع یک بیت از لحاظ نحوی استقلال دارند و هر مصراع در تأکید مضمون مصراع دیگر، موردی نظیر آن را ارائه میدهد، به گونه‌ای که میتوان جای آنها را عوض کرد:

نیست بدگو را ز کار نیک خود هم بهره‌ای کی دهان شیرین شود از انگبین زنبور را
(همان: ص ۸۶)

قابلیت گر نباشد تربیت بیهوده است کی تواند سبز گشتن سوسن خنجر در آب
(همان: ص ۱۱۳)

که در مثالهای فوق مصرع دوم در حکم مثالی برای مصراع اول است و در موازنه با آن قرار میگیرد.

۲) بدیع

الف) حسن تعلیل: مه‌ری تصاویر بسیار زیبایی از این رهگذر خلق کرده است که متأثر از نگاه ظریف و خیال دقیق شاعر در یافتن و ارائه دلیلی نو و تصویری خیال‌انگیز است:

خمیده قامت پیر فلک مگر ساید به خاک درگه او رفته رفته پیشانی
(همان: ص ۷)

خمیدن قد پیران بود ز شرم گناه به پیش سر فکنند هر که خجلتی دارد
(همان: ص ۱۹۱)

ب) مراعات نظیر: مراعات نظیر به شکل هنری و به گونه‌ای که با کلمات دیگر ایهام تناسب ایجاد میکند در دیوان مه‌ری به کار رفته است:

من اینکه مصحف خط غبار میخوانم سواد چشم من از خط سبز روشن شد
(همان: ص ۱۸۲)

حسن او صاحب‌قران باشد که در دوران خط سکه شاهنشاهی بر نقد دلها میزند
(همان: ص ۲۲۵)

ج) ایهام: در شعر مه‌ری، ایهام را در ترکیبات فعلی میتوان مشاهده کرد که ساخته و پرداخته ذهن خود اوست و حاصل تناسبی که بین لفظ و معنا ایجاد میکند. «شیوع این گونه خاص از ایهام نتیجه توجه کسانی است که فارسی زبان اصلی آنها نبود و در ابعاد کلمه بدین گونه خیره می‌شدند.» (شاعر آینه‌ها: ص ۷۰)

آن مصوّر که شبیه تو کشد استاد است
گر در آغوش کشد قامت دلجوی تو را
(همان: ص ۶۹)

دل مکش در سینه تصویر عاشق زینهار
ای مصوّر گر تو را حسرت کشیدن مشکل است
(همان: ص ۱۳۱)

د) تلمیح: کاربرد گسترده تلمیح در شعر مه‌ری بیانگر آگاهی وسیع او از جنبه‌های مختلف دینی، آیات و مطالب تاریخ و احادیث و وقایع است. در شعر مه‌ری تلمیحات مرتبط با داستان حضرت یوسف^(ع) بیشترین بسامد را دارد:

غیر عشق غرض آلود زلیخا دیگر
جامه بر تن ندیده است کسی یوسف را
(همان: ص ۸۹)

۳-۱-۳- ویژگیهای فکری

۱) اندیشه دینی مه‌ری

مه‌ری چون اکثر شعرای سبک هندی شیعه اثناعشری است و به ائمه اطهار ارادت می‌ورزد:

اثناعشری مذهبم و پیرو آبا
مهر علی و آل علی باشدم آیین
(همان: ص ۳۸)

ما را به خدا علی است رهبر
بی فاصله از پی پیمبر
(همان: ص ۲۲)

۲) تخلص

مه‌ری در تمامی اشعاری که به فارسی سروده تخلص مه‌ری را به کار برده است:

ز بس که مهر تو ورزیده‌ام تخلص من شده است مه‌ری و مه‌رم چنانکه میدانی
(همان: ص ۷)

مرا مه‌ری تخلص شد ز بس مهر تو ورزیدم تو بی‌پروا به این نام‌مه‌ربانی تا به کی باشی؟
(همان: ص ۳۴۱)

۳) تقاضای تخلص

از آنجایی که شاعران را با تخلص آنها میشناختند و اشعارشان را با این نام در تذکره‌ها ثبت می‌کردند، داشتن یک تخلص بامعنا و پسندیده، امری مهم بود. اغلب شاعران تخلص را بر اساس نام و نام‌خانوادگی، نام اجداد یا اهداف و آرمانهای خود انتخاب می‌کردند. برخی از تخلصها از پدر به پسر به ارث می‌رسید(مجمع الفصحا، بخش اول از مجلد دوم: ص ۹۵۵) و بعضی دیگر خرید و فروش میشد(تذکره میخانه: ص ۲۹۳) و گاهی با نام ممدوح در ارتباط بود(تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم، ج ۱: ص ۱۶۷)، در این میان بودند شاعرانی که از بزرگی تقاضای تخلص می‌کردند. در رباعی‌ای که نقل میشود شاعری که نامش قید نشده است از مه‌ری تقاضای تخلص کرده و مه‌ری به او تخلص ساطع را پیشنهاد داده است:

من جامع علم نافت میخوانم این مختصر از شرایعت میخوانم
از بنده تخلصی طلب فرمودی ای نور دو دیده ساطعت میخوانم
(نسخه خطی دیوان اشعار: ص ۳۵۵)

۴) ارتباط با شاعران دیگر

مه‌ری در دو غزل از شاعری به نام وحید یاد کرده است.

مه‌ری این گوهر یکتا ز وحید است که گفت با برادر نخریده است کسی یوسف را
(همان: ص ۹۱)

مه‌ری خموش باش که در جو‌بیار نظم سروی به غیر مصرع قد وحید نیست
(همان: ص ۱۳۴)

و در یک مسدس از حسادت شاعری به نام ظهوری نسبت به خود انتقاد کرده است:

غیر از سفر علاج نداری لجاج چند مُردی ز درد رشک، ظهوری بیا برو
(همان: ص ۳۶۰)

۵) ثبت ماده تاریخ

الف) جلوس شاه سلیمان صفوی:

از جلوس شه فرشته جنود که به ظل القوی مورخ بود
(نسخه خطی دیوان اشعار: ص ۵۳)
شاعر در این بیت با حروف ابجد «ظل القوی»، تاریخ جلوس شاه سلیمان بر تخت سلطنت
یعنی سال ۱۰۷۷ هجری را ثبت کرده است.

ب) ولایت صفی‌قلی‌خان در ایالت هری:

چون صوفی شه صفی‌قلی‌خان جا دید تشریف ایالت هری را پوشید
مه‌ری ز شغف از پی تاریخش گفت شادیم که باز حق به حقدار رسید
(همان: ص ۳۵۶)

شاعر در مصراع آخر این رباعی، تاریخ ولایت ایالت هری به دست صفی‌قلی‌خان در سال
۱۱۱۸ هجری را ثبت کرده است.

ج) اتمام ضریح عسگرین:

در عهد حسین خدوی جمشید غلام چون یافت ضریح عسکرین اتمام
مه‌ری پی ضبط سال تاریخش گفت آن را تو طلب کن از ضریح دو امام
(همان: ص ۳۵۶)

در این رباعی تاریخ اتمام ضریح عسگرین در سال ۱۱۱۰ با حروف ابجد «ضریح دو امام»
ثبت شده است.

۶) توجه به حالات و صفات کودکان

صفات نیک و بد کودکان دستمایه بزرگی در دستان مه‌ری برای ترسیم عادات و اخلاق
نیک و بد در بزرگسالان است. مه‌ری در قالب تمثیل حالات کودکان را معیاری برای بیان
مفاهیم اخلاقی و تربیتی قرار داده و تلاش کرده است تا مخاطبش را به زشتیها و زیباییهای
رفتار خود هدایت کند:

الف) کودک و سنگ انداختن:

ز حرف سخت دارم بر جگر زخمی که ماندش
به تن از سنگ طفلان شاخ نخل بارور دارد
(همان: ص ۱۹۰)

ب) کودک و درس:

چوبش مدام از عرق شرم در نم است
طفلی که سر ز سیلی استاد میکشد
(همان: ص ۲۱۲)

ج) کودک و نادانی:

گرفتن کام دل از دولت دنیا به آن ماند
که طفلی را فریید دایه از پستان پر شیری
د) کودک و بی‌گناهی:

از روز جزا قاتل ما بیم ندارد
طفل است هنوز و ننویسد گنااهش
(همان: ص ۲۶۵)

۷) توجه به اصطلاحات پزشکی

به هم رسد اگر آبی ز بس بود سنگین
شود چو بگذرد از معده در مئانه خصا
(همان: ص ۲۰)

وارهانم به جرعه‌ای ساقی
صندل می علاج درد سر است
(همان: ص ۱۲۰)

۸) توجه به اصطلاحات هنر خوشنویسی و کتابت

گر دمد زرین خط پشت لب جانان چه غم
جدول لعل بتان رنگین ز تحریر طلاست
(همان: ص ۱۲۹)

کاتب صنع رقم کرد ز می خط تو را
که نبودش به سر خامه مرکب رنگین
(همان: ص ۳۰۵)

(۹) نقد خویشتن

نکته قابل توجه درباره مهری این است که وقتی به مضامین اخلاقی و تربیتی میپردازد و به بی‌عدالتی، جهالت و ظلم اعتراض میکند؛ این اعتراض خود را نه فقط بر دیگران بلکه نخست از خویشتن آغاز میکند.

هنوز از رتبه آباء خود آگه نه‌ای مهری
نداند طفل لجد خون به جز نامی اب و جد را
(همان: ص ۱۰۴)

مهری نتوان گفتند آدم اگر نیست
با خلق خدا طرز سلوک آدمیانه
(همان: ص ۳۱۸)

(۱۰) توجه به باورهای عامیانه

باشد اثر نوشته از گفته فزون
نفرین سیه‌زبان بود گیراتر
(همان: ص ۳۴۸)

بسی فال حافظ گشودم نداری
نداری وفا آزمودم نداری
(همان: ص ۳۵۸)

در عهد ما به خاصیت چوب چین است
حق نمک کسی که فراموش میکند
(همان: ص ۲۳۶)

(۱۱) ستایش شعر و شاعری

شعرا بلبلان خوش‌آهنگ
هوشمندان شوخ بافرهنگ
(همان: ص ۵۳)

شاعری گر شعار کس نشود
به از آن صنعتی نمیباشد
(همان: ص ۱۷۷)

(۱۲) شکایت از روزگار

چه دشمنی‌ست فلک را به من نمیدانم
چه دوستی‌ست مرا با فلک نمیدانی
(همان: ص ۵)

کم فرصتی نگر که مرا با نگاه یار نگذاشت بخت بد که نگاه آشنا شود
(همان: ص ۱۸۷)

۱۳) آموزه‌های عرفانی

مهری برای رهایی از سرگردانی و بی‌سروسامانی و فراموش کردن غم و اندوه، عرفان را
که آخرین سرمنزل مطمئن برای پناه بردن روح آشفته و بی‌قرار است در پیش گرفته است:

آن را که تو گردن به طلب میکشی از دور آن خود به تو نزدیکتر از حبل ورید است
(همان: ص ۱۵۰)

بی‌گمان در زیر دست طبع بالا دست ماست جای استغنا که در بالای دست همت است
(همان: ص ۱۲۱)

کشتی‌نشین بحر رضا باشدم مرا در موج خیز حادثه امید ساحل است
(همان: ص ۱۱۹)

۳-۲- اشعار معرب

قسمت دوم دیوان که شامل اشعار معرب است بالغ بر ۲۰۰ بیت را شامل می‌شود. در این
قسمت با قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، مخمّس، بحر طویل و ساقی‌نامه روبرو می‌شویم. اشعار
فارسی-عربی مهری بدین گونه است که وی به طریق هزل و شوخی کلمات فارسی را با
کلمات عربی آمیخته و بعضی از کلمات فارسی را با اصول و قواعد عربی به کار برده است.
مهری «به عربی و فارسی تعریب طرح شاعری ریخت و شعرش پسندیده افتاد و جمعی بدو
اقتفا کردند و بدین سیاق نظمها و بحر طویلها پرداختند.» (مجمع الفصحا، ج ۲: ص ۱۱۹)

۳-۲-۱- نقیضه و تزریق

شفیعی کدکنی در کتاب قلندریه در تاریخ مینویسد: «نقیضه آن است که قالب یا سبک
یک متن پیشین را در جهت خلاف آن به کار گیریم که غالباً تبدیل اسلوب جد است به هزل
و شوخی.» (قلندریه در تاریخ: ص ۴۲۱) در واقع نقیضه عبارت است از متنی که متن یا گونه
ادبی جدی دیگری را الگوی خود قرار دهد و به تقلید تمسخرآمیز آن بپردازد. البته نقیضه
فقط به معنای تقلید مضحک‌آمیز نیست بلکه هر نقیضه علاوه بر تقلید تمسخرآمیز و تخریب
شامل نوعی جهت‌گیری انتقادی در برابر برخی مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فلسفی

است. مه‌ری عرب یکی از نقیضه‌سازان سبک هندی است. وی اشعار حافظ را الگوی خود قرار داده و نقیضه‌هایی طنزآمیز ساخته است:

الا یا ایها السّاقی ادر کاساً و ناولها خمار البادۃ الدوشینه کشتی اهل محفلها
همه فی الشرت و الخمیزه مثل الکوکناریون دهن وازی و ششمان بر همی للموت مایلها
(نسخه خطی دیوان اشعار: ص ۳۶۸)

در بررسی آثار طنزآمیز سبک هندی به نوعی خاص از نقیضه به نام «تزییق» بر میخوریم. «تزییق صنعتی از صنایع بدیعی که در عهد صفویه رواج گرفته... تزییقی اردبیلی پیشوای این سبک سبک بوده...» (دانشمندان آذربایجان: ص ۸۵) در واقع «تزییق به نوعی تقلید مسخره‌آمیز و مضحک (نقیضه) اطلاق میشود که در آن شاعر با به کار گرفتن کلماتی با معنی، ابیاتی موزون و مقفی اما به کلی فاقد معنا، به استقبال اشعار جدّ متقدمان یا معاصران در همان سبک، قالب و وزن میسازد. (هجو در شعر فارسی: ص ۱۰۹) «کاربرد واژه‌های دخیل و بیگانه و اصطلاحات خاص و زبان پیشه‌وران تا ساخت مصادر جعلی و لغات مستحدث معنی‌گرا یا معنی‌گریز از روشهای رسیدن به این مقصود است.» (تزییق نوعی نقیضه هنجار ستیز طنزآمیز در ادبیات فارسی: ص ۳۵) به همین دلیل است که مه‌ری نیز در شمار تزییق - پردازان سبک هندی قرار میگیرد. مه‌ری «روش دیگری در صنعت تزییق ایجاد کرده و ملمعاتی مرکب از السنه ثلاثی پارسی و عربی و ترکی موزون ساخته و کلمات را برحسب قواعد لسان عرب معرب کرده است.» (دانشمندان آذربایجان: ص ۸۶)

گفتمش یا ساقی امشب می شما سرخوش نیست گفت لا لا صاف صاف و شیر دیگر نوش نیست
(همان: ص ۳۷۰)

من شما یا معشر العشاق دید غیر ششم یار بیماری طبیب
(همان: ص ۳۷۴)

۳-۲-۲- تخلص

مه‌ری در اشعار که به شیوه عربی و فارسی یعنی تعریف سروده است؛ تخلص سید را به کار برده است و در انتخاب تخلص سید، ملاک شاعر نام و نام‌خانوادگی بوده است. این تخلص از نظر معنایی به مذهب و زبان شعر وی اشاره دارد:

سید البیشاره فی عشق البتان السنجدل فر ملامت من مسلمان است و کافر میکشد
(همان: ص ۳۷۱)

۳-۲-۳- ساقی‌نامه و ارزش تاریخی آن

مهری ساقی‌نامهٔ معرب خود را در ۳۸ بیت سروده است. این مثنوی از لحاظ تاریخی ارزشمند است و نام بسیاری از محله‌های اصفهان از جمله میدان نقش جهان، چارسو، باغ قلندر، بازار قاز، دارالامام و... در آن ذکر شده است:

به میدان نقش جهان و القیاق الی کون کنیه سرازیر طاق
به اثنی عشر قهوهٔ التّوبه تو به یک چاربادهار و دو چارسو
به خان الله بیک و محمود بیک که من ساکنی‌ها سلام علیک
(همان: ص ۳۷۴)

۳-۲-۴- بحر طویل و اعتیاد شاعر

بحر طویل مهری به شیوهٔ معرب و با موضوع امرد بازی و معشوق مذکر سروده شده است. این اثر در جنگ مرتضی‌قلی‌خان شاملو که در سال ۱۰۶۹ هجری و برابر با ۱۹ سالگی شاعر گردآوری شده، ثبت گردیده است. (رک. جنگ مرتضی‌قلی‌خان: ص ۳۰۹-۳۰۶) شاعر در بحر طویل، خود را «سید مظلوم جبل‌عاملی صالح طالب علم افیونی نشمی...» (نسخهٔ خطی دیوان اشعار: ص ۳۶۸) معرفی میکنند؛ با توجه به اینکه وی اشعار معرب را به شیوهٔ طنز و هزل سروده است میتوان آن را از مقولهٔ هزل دانست، البته احتمال اعتیاد شاعر در این دوره نیز وجود دارد.

۳-۲-۵- انتقاد از موضوع بحر طویل

مهری در بحر طویل با زبانی هزل به موضوع معشوق مذکر و امرد بازی پرداخته است. یاداشتی در یکی از صفحات جنگ مکتوب در سدهٔ یازدهم ثبت شده است که در آن از موضوع بحر طویل مهری این گونه انتقاد شده است: «خدا لعنت کند ابلیس را که امرد بازی را در مذاق عامهٔ خلق چنان شیرین کرده است که بدون تقیهٔ علناً این فعل شنیع را به زبانهای مختلف همه‌جا اظهار میکنند. همانا مبدأ و منشأ آن یزید بن معاویه بوده است. در تاریخ مکه متعلق به قتال ابن زبیر میگوید: یزید بن معاویه مسلم بن عقبه را امر کرد که به مدینه برود برای آنکه اهل مدینه اسناد اُبنه به او میداد، مر ایشان را به قتل برساند. در روضه‌الصفاء است که به صحت پیوسته که معتصم، میلی مفرط به خریدن غلامان امرد داشت.

درباره امین میگوید: زییده دید او را میل به غلامان امرد بسیار است؛ فرمود کنیزکان خوب صورت را عمامها بر سر، مناطق بر میان بستند و اثواب قیمتی مردانه پوشیدند؛ امین آنها پسندید و موسوم به غلامات نمود. من کف ذات حرّ فی ذی ذکر، چون مردم بر دین ملوک خودند این مرض بر طبقات سرایت کرد. از این‌رو غزلها و تغزلها رواج پیدا کرد. بحر طویل مزبور که متعربانه تلقین خرامات کرده است مبنی بر همین مقدمه پلید است. (نسخه خطی مجلس، شماره ۹۰۸۵۵: ص ۲۵)

۴- نتیجه‌گیری

از مطالعه دیوان اشعار سیدعلی جبل‌عاملی این نتایج به دست می‌آید: در اشعار فارسی بحر رمل بیشترین بسامد و بحر متقارب کمترین کاربرد را دارد. اکثر اشعار فارسی مهری مردّف است و ردیف فعلی بیشترین بسامد را دارد. از آنجایی که شاعر عرب زبان است به وفور از لغات و ترکیبات عربی در اشعار خود بهره برده است؛ همچنین استفاده از زبان و اصطلاحات کوچه و بازار از ویژگیهای بارز شعر مهری است. شاعر برای بیان اندیشه‌های خود از آرایه‌های ادبی همچون: تشبیه، استعاره، کنایه، اسلوب معادله، ایهام تناسب و... استفاده کرده است؛ توجه شاعر در استعاره بر استعاره‌های مفهومی است. اصطلاحات هنر خوشنویسی و کتابت در اشعار مهری بسامد بالایی دارد تا جایی که میتوان وی را از خوشنویسان روزگار خود دانست. توجه به ثبت تاریخ به خصوص تاریخهای مرتبط با دربار، نشان دهنده این امر است که شاعر در دربار صفوی حضور داشته است. تقاضای تخلص از شاعر نشان میدهد مهری از جایگاه بالای اجتماعی و هنری برخوردار بوده است. مهری در نقیضه‌سرایی و تزریق شاعری توانمند بوده و در اشعار معرب صاحب سبک است؛ شیوه ساخت کلمات معرب وی تقلیدی نیست. با وجود اینکه اشعار مهری سرشار از مضامین اخلاقی و تربیتی است اما شاعر به موضوعاتی چون امردبازی نیز پرداخته است.

منابع و مأخذ

- ۱- استعاره. هاوکس، ترنس. ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، (۱۳۸۶)
- ۲- ابداع البدایع. شمس‌العلمای گرگانی، محمدحسین. به اهتمام حسین جعفری. تبریز: احرار، (۱۳۷۷)
- ۳- تاریخ ادبیات در ایران. صفا، ذبیح‌الله. چ ۱۰. تهران: فردوس، (۱۳۶۶)
- ۴- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم. نفیسی، سعید. ج ۱. چ ۲. تهران: کتابفروشی فروغی، (۱۳۶۳)
- ۵- تذکره میخانه. فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی. به اهتمام احمد گلچین گیلانی. تهران: شرکت حاج محمدحسین اقبال و شرکا، (۱۳۴۰)
- ۶- تذکره نصرآبادی. نصرآبادی، محمدطاهر. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. ج ۱. تهران: اساطیر، (۱۳۷۸)
- ۷- تزریق نوعی نقیضه هنجار ستیز طنزآمیز در ادبیات فارسی. شفیع‌عیون، سعید. فصلنامه ادب پژوهی، شماره ۱۰. ص ۵۶-۲۷. (۱۳۸۸)
- ۸- جنگ مرتضی قلی‌خان. شاملو، مرتضی بن حسن. نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری ایرج افشار و احمد منزوی. تهران: کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، (۱۳۸۲)
- ۹- دانشمندان آذربایجان. تربیت، محمدعلی. تهران: بنیاد کتابخانه فردوسی، (بی‌تا)
- ۱۰- ریحانة‌الادب. مدرس، میرزا محمدعلی. ج ۶. تبریز: چاپخانه شفق، (بی‌تا)
- ۱۱- سیب باغ جان. خلیلی جهان‌تبیغ، مریم. تهران: سخن، چاپ اول، (۱۳۸۰)
- ۱۲- شاعر آینه‌ها. شفیع‌عی کدکنی، محمدرضا. تهران: آگاه، (۱۳۶۶)
- ۱۳- قلندریه در تاریخ: دگردیسی‌های یک ایدئولوژی. شفیع‌عی کدکنی، محمدرضا. تهران: سخن، (۱۳۸۶)
- ۱۴- مجمع الفصحا. هدایت، رضا قلی خان. به کوشش مظهر مصفا. تهران: امیرکبیر، (۱۳۳۶)
- ۱۵- مکتبهای ادبی. سیدحسینی، رضا. تهران: نشر مرکز، (۱۳۷۶)
- ۱۶- نسخه خطی دیوان اشعار. مهری عرب، سید علی‌رضا بن سیدمسعود جبل‌عاملی. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. شماره ۳۲۱۷.
- ۱۷- نسخه خطی جنگ مکتوب. کتابخانه مجلس: شماره ۹۰۸۵۵.
- ۱۸- نسخه خطی مجموعه رساله. کتابخانه مجلس: شماره ۵۵۵۷.
- ۱۹- هجو در شعر فارسی. نیکوبخت، ناصر. تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۸۰)